

رشد و توسعه ادبیات کودکان در آفریقا

○ نوشته: توماس وان در والت
○ ترجمه: شقایق قندهاری
○ منبع: Book bird - spring ۱۹۹۸

سوی دیگر بر علیه استفاده از زبان هلندی به عنوان زبان مکتوب خود، مبارزه کردند. یکی از ابزارهای مورد استفاده در این مبارزه، نگارش آگاهانه زبان، در حین تکلم آن بود. البته کیفیت ادبی این زبان، نگارش ضعیف بود. نخستین کتاب کودکان آفریقایی بنام «سرگذشت یوسف» ۴ در سال ۱۸۷۳ میلادی توسط «سی. پی. هوگن هوت»^۵ نوشته شد. این کتاب باز نویسی داستان بسیار مشهوری است که در انجیل نقل شده است. این اثر آرمان‌های مذهبی و زبان‌شناسی پیشگامان این زبان را منعکس و در طول چند دهه، نوع گرایش کتلهای کودک را مشخص ساخت. نخستین کتابهای کودک و نوجوان در آفریقا از لحاظ دستوری بسیار ضعیف بودند و به سبک محاوره‌ای نگارش می‌شدند و دربرگیرنده درس‌های اخلاقی فراوانی بودند. علاوه بر این که کتاب‌ها آموزشی بودند، حتی میهن‌پرستی و ملی‌گرایی در آنها به شدت نمایان و بارز بود. وقتی موقعیت مردم آفریقا با آغاز «جنگهای بوئر»^۶ (۱۸۹۹-۱۹۰۲) وخامت یافته ادبیات وسیله‌ای برای کسب احساس عزت نفس در مردم شد.

○ رشد و شکوفایی ادبیات کودکان در آفریقا

در طول چند دهه نخست قرن بیستم، کارهای ارزشمندی منتشر نشد. در این ایام کمیت مهمتر از کیفیت بود و چون کودکان آفریقایی - که قادر به خواندن زبان هلندی نبودند - برای مطالعه به کتاب نیاز داشتند، ادبیات کودکان در آفریقا سریعتر از ادبیات کودکان انگلیسی - آفریقایی پیشرفت کرد، چون نیاز به کتاب‌های آفریقایی بیشتر احساس می‌شد. از سوی دیگر همواره بهترین کتاب‌های کودک انگلیسی زبان به راحتی وارد کشور می‌شد.

اما در واقع، کمبود کتاب‌های درسی و آموزشی به شدت نمایان بود و تا سال ۱۹۵۰ میلادی اثر چندین درخور توجه و ارزشمندی منتشر نشد. البته در این میان چند اثر غنی و قابل

آفریقایی جنوبی کشوری است که در آن فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف و متنوعی وجود دارد. از زمان بروز تغییر و تحولات سیاسی و شکل‌گیری دولت «وحدت ملی»^۱ در این کشور، یازده زبان رسمی استفاده می‌شود. از این یازده زبان، نه زبان آفریقایی و دو زبان دیگر زبان‌های انگلیسی و «آفریکانز»^۲ می‌باشند.

درواقع زبان آفریکانز بیشتر توسط بازماندگان و ساکنان قدیمی هلندی که در قرن هفدهم وارد این کشور شدند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. به علاوه این زبان جدیدترین زبان هلندی موجود می‌باشد. زبان آفریکانز در آفریقا و تحت تأثیر آفریقا شکل گرفت و حقیقتاً زبانی آفریقایی است. بدین ترتیب وضعیت این کشور با سایر کشورهای که به طور رسمی مستعمره بریتانیا می‌باشند (نظیر کانادا، استرالیا و زلاندنو) کاملاً متفاوت است. در آفریقایی جنوبی ادبیات به زبان انگلیسی و زبان‌های بومی کشور محدود نمی‌باشد بلکه این کشور صاحب ادبیاتی غنی و زبانی بومی و کاملاً توسعه یافته نیز می‌باشد که دارای ریشه اروپایی است. این زبان، همان زبان آفریکانز می‌باشد.

به نظر می‌رسد پیش از اینکه زبان آفریکانز، به زبانی مکتوب مبدل شود، قصه‌ها و داستان‌ها با همین زبان برای بچه‌ها تعریف می‌شده. احتمالاً کهن‌ترین داستان‌های کودک و نوجوان به این زبان، افسانه‌هایی بودند که در کنار آتش و در آشیخانه‌ها توسط بردگان آفریقایی نقل‌قول می‌شدند. اما به هر صورت، ریشه کتاب‌های کودک به زبان آفریکانز (و ادبیات آفریکانز به طور عام) به زمانی مربوط می‌شود که این زبان به شکل مکتوب و رسمی متداول شد.

در طول «نخستین جنبش زبان آفریکانز»^۳ در سال ۱۸۷۵ میلادی، مردم آفریقا از یک سو بر علیه تحمیل زبان انگلیسی به آنها توسط دولت استعماری مبارزه کردند و از

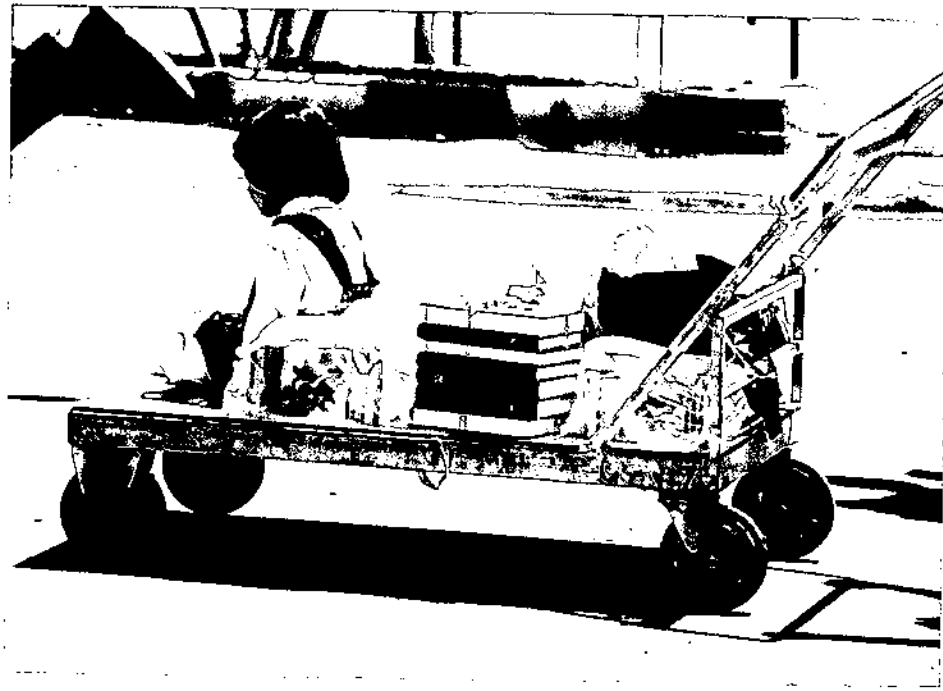
توجه نیز انتشار یافت. یکی از این کتاب‌ها «داستان‌های حیوانات»^۴ نوشته «جی آر وان ویلیق»^۵ بود که در سال ۱۹۰۷ میلادی منتشر شد. همچون بسیاری از ملل و کشورها، افسانه‌های اروپایی و آفریقایی در شکل‌گیری و رونق ادبیات کودکان در آفریقا از اهمیت خاصی برخوردار بود. طبیعت و حیات وحش در کتاب‌های کودکان جایگاه ویژه‌ای داشتند. داستان‌های تاریخی نیز در آفریقا از سابقه‌ای طولانی برخوردار هستند. «رام، ای روغن»^۶ ادبیات کودکان آفریقا را در اثر خود بنام «کودکان اولین کوچ»^۷ منعکس ساخت. این کتاب که در سال ۱۹۲۰ میلادی منتشر شد، روایتگر سفر کشاورزان سفیدپوست به داخل آفریقای جنوبی است. این اثر بعدها مورد بازبینی قرار گرفت و در سال ۱۹۶۰ بنام «توقلوهای فعال» چاپ شد. به علاوه در بسیاری از داستان‌های حادثه‌ای نیز از زمینه تاریخی برای به تصویر کشیدن ماجراها و حوادث قهرمان‌های آفریقایی استفاده شد. در این خصوص می‌توان به داستان «پاتریس و دیگران»^۸ که نمونه‌ای از داستان‌های حادثه‌ای است، اشاره کرد.

در طول دو دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، کتاب‌های کودک و نوجوان در آفریقا به تدریج افزایش یافت اگرچه همچنان کیفیت و سبک نگارش آثار ضعیف بود. در این زمان مریبان و والدین بر ضرورت وجود کتاب‌های کودک به زبان آفریقایی - بدون توجه به ارزش‌های زیباشناختی آن‌ها - اصرار داشتند. یکی از نویسندگان برجسته نیمه اول قرن «سی. جی لاکین هاون»^۹ با هدف آموزش «خواندن» به مردم، به نویسندگی پرداخت. در مجموع، نویسندگانی که بیشتر در زمینه کتاب بزرگسال فعال بودند، نظیر «سی لویس لیوست» «سانجیرو» و... سهم بیشتری در بهسازی و تقویت کتاب‌های کودکان داشتند. نوع ادبی برجسته ادبیات کودکان، داستان‌های حادثه‌ای بودند. به عنوان مثال، «میکرو»^{۱۰} یکی از نویسندگانی بود که جنگ بوئر را دستمایه داستان‌های حادثه‌ای فراوان خود قرار داد. درجهت رفع نیاز به کتاب کودک به زبان آفریقایی، مجموعه کتاب‌های متعددی در طول این دوران منتشر شد. طی جنگ جهانی دوم، انتشار کتاب به دلیل کمبود کاغذ و فعالیت صنعت چاپ در زمینه مسائل مرتبط با جنگ دشوار بود. اما با پایان جنگ عصر جدیدی در زمینه کتاب‌های کودک آفریقا ظهور کرد و از آنجایی که زبان آفریقایی زبان رهبران سیاسی کشور شد، صنعت چاپ آفریقا بسیار قدرتمند گشت. آموزش اجباری و خدمات کتابخانه‌ای رایگان در شهرهای مختلف به پیشرفت سطح آگاهی و آموزش در آفریقا کمک کرد. سفیدپوستان بینوای دوران دهه ۱۹۳۰، هم‌اینک بخشی از مردم شهرنشین طبقه متوسط را تشکیل می‌دادند و بهبود قدرت خرید طبقه متوسط مردم آفریقا، موجب بهبود بازار کتاب در آفریقا شد. و به تدریج کیفیت کتاب به جایگاه واقعی خود دست یافت و جایگزین کمیت شد.

درحقیقت در تقویت بهبود وضعیت کتاب‌های آفریقایی دو عامل دیگر نیز نقش داشتند؛ یکی ترجمه بهترین آثار کودکان و نوجوانان به زبان آفریقایی و دیگری تشکیل مراکز و مؤسساتی که به انتخاب برترین کتاب‌های کودکان همت گماشتند و به آنها جایزه دادند.

همزمان با شکل‌گیری برنامه‌های اهدای جوایز ادبی، حرقه نویسندگی «آلیا بوور»^{۱۱} نیز آغاز شد و در سال ۱۹۵۵ میلادی، نخستین کتاب خود به نام «داستان‌های ریور فارم»^{۱۲} را که نقطه عطفی در جریان ادبی کتاب‌های کودک این کشور است، منتشر ساخت زیرا آغازگر دوران مدرن و نوین ادبیات کودک و نوجوان آفریقا است. درحقیقت بوور نخستین

به نظر می‌رسد
پیش از اینکه زبان آفریکانز،
به زبانی مکتوب مبدل شود،
قصه‌ها و داستان‌ها
با همین زبان برای بچه‌ها
تعریف می‌شد.
احتمالاً کهن‌ترین
داستان‌های کودک و نوجوان
به این زبان، افسانه‌هایی بودند
که در کنار آتش
و در آسپزخانه‌ها
توسط بردگان آفریقایی
نقل قول می‌شدند



نویسنده‌ای بود که داستان‌های خود را از دریچه چشم کودک می‌نوشت. توانایی زبانی وی همراه با هنر تصویرگری «کاترین هاریس»^{۱۶} استاندارد و معیار کتاب را در این کشور بالا برد به طوری که حتی امروزه بسیاری از نویسندگان سعی می‌کنند خود را به حد آن برسانند.

از نویسندگان مطرح دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی می‌توان به چند مورد اشاره کرد. «هتر هیس»^{۱۷} که داستان‌هایی روایی می‌نویسد و شعر کودک می‌سراید. «رونا روبرت»^{۱۸} با تصویرسازی شخصیت‌های زنده و حساس، «پیتر گرویلار»^{۱۹} با بازنویسی افسانه‌ها و ترانه‌های قدیمی و...

تا اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، دشت و صحرا و طبیعت در فضاسازی کتابهای کودکان نقش حیاتی داشت. استفاده از فضای دهکده‌های کوچک و مزارع به عنوان پس‌زمینه داستان‌ها، همچنان مورد استفاده برخی از نویسندگان مانند آلبا بوور، «تولف ون نیکزک» و «گریس بارنارد» قرار گرفت. حتی داستان‌هایی که بزهکاران و تبهکاران را به تصویر می‌کشید، در فضایی روستایی بود. در این داستان‌ها شخصیت‌ها از خانواده‌هایی روستایی بودند. این فضا درست برخلاف موضوعات مشابه داستان‌های اروپایی با فضایی شهری، بود.

اگرچه همچنان برخی از نویسندگان فضای روستاها را دستمایه زمینه داستان خود قرار می‌دهند، اما این روند در اواخر دهه ۱۹۸۰ تغییر کرد. و پس از آن فضای شهر در غالب داستانها مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ادبیات کودکان آفریقا منعکس شد و بر آن تأثیر گذاشت. نویسندگان و ناشران بیش از پیش به ماهیت و خصوصیات بازار نامتاسب مخاطبان خود توجه نشان دادند. اگرچه ارزش‌های سنتی ایام گذشته در ادبیات کودکان آفریقا به تصویر کشیده می‌شد اما تغییر ارزشهای اخلاقی و سبک زندگی بیش از پیش آشکار شد. در اوایل دهه ۱۹۸۰، نویسندگانی مثل «لزاب استینرگ»^{۲۰} و «هارسا مارتیز»^{۲۱} مشکلات کودکان به هنگام مواجهه با مسئله طلاق، نژادپرستی و معلولیت را دستمایه آثار خود قرار دادند. بسیار روشن است که سبک نگارشی کتاب‌های آفریقایی در طول سال‌های اخیر تغییر کرده است. مهمترین عامل مؤثر در کتاب‌های کودکان آفریقا مسئله رئالیسم اجتماعی

است. مسائلی همچون اخلاقیات، جنسیت و گوناگونی فرهنگی مورد توجه قرار گرفته‌اند. به علاوه ساختار سنتی خانوادگی به صورتی که در آن پدر نان‌آور باشد و مادر فردی منفعل، در حال تغییر است. در کتاب «هو»^{۲۲} تحت عنوان «گریه من به خزان تبدیل می‌شود»، مادر نان‌آور خانواده می‌باشد.

در کنار داستان‌های انتقادی - اجتماعی، داستان‌های فانتزی نیز محبوبیت کسب کرده‌اند.

○ وجدان جامعه

در مواردی نویسندگان را وجدان جامعه معرفی و توصیف می‌کنند. این مسئله در خصوص نویسندگان آفریقایی جنوبی بسیار صادق می‌باشد، نویسندگانی که به شدت با نظام آپارتاید مخالفت کرده‌اند، امروزه اولین نویسندگان ادبیات کودک در آفریقا به شدت مورد انتقاد می‌باشند؛ آنها جامعه را همان‌گونه که بود به تصویر می‌کشیدند، بی‌آنکه نگرانی خود را از تبعیض نژادی و جداسازی نسل‌ها بیان کنند. در حالی که این نویسندگان به خاطر کوتاهی خود در بیان مخالفت با نظام آپارتاید مورد انتقاد قرار می‌گیرند، بیان این امر ضروری است که نویسندگان کودک سه دهه گذشته سعی کردند در آثار خود فضایی را به تصویر بکشند که در آن همه افراد از شرایط مساوی برخوردار هستند و نژاد انسانها اهمیت ندارد. این دسته از نویسندگان اگرچه خود و فرزندانشان ساکن کشوری بودند که در آن انسان‌ها بر اساس نژاد خود مورد تبعیض واقع می‌شدند، همواره در جهت بیان تساوی انسان‌ها کوشیدند. در طول سال‌های اخیر، بسیاری از نویسندگان با قاطعیت احساس تأسف خود را از نظام آپارتاید و بی‌عدالتی بیان کرده‌اند.

سال‌های متعددی ارزش‌ها، نیازها و علایق مردم آفریقا، ادبیات کودکان آفریقا را تحت‌تأثیر قرار داد. قهرمان این داستان‌ها نماینده کل جمعیت مردم آفریقا نبود، به علاوه کتاب‌های اندکی هم که از نقطه‌نظر قهرمانان سیاه‌پوست نوشته شدند، توسط نویسندگان سفیدپوست نگارش شدند. از آنجایی که مطالعات و تحقیقات نشان می‌دهد که کودکان سیاه‌پوست منطقه غرب پایتخت، از جمله مخاطبان اصلی کتاب‌های کودک هستند، نگارش کتاب برای این گروه از

مخاطبان بسیار اهمیت دارد. و از آنجایی که دولت جدید، زبان انگلیسی را به عنوان زبان واسطه مورد استفاده قرار می‌دهد، بسیاری از مردم آفریقا نگران وضعیت آینده زبان خود هستند.

از نظر ناشران کتاب‌های کودک آفریقا، چاپ کتاب‌های کودک آفریقایی سودده نمی‌باشد، چون چاپ کتاب با تیراژ محدود گران بوده و به علاوه مؤسسات آموزشی هم دیگر از ناشران کتاب خریداری نمی‌کنند. خوشبختانه کیفیت بسیار مناسب کتاب‌های کودکان در آفریقا که توأم با تنوع فرهنگ فراوان می‌باشد، موجب شده درصد بالایی از آنها به زبان انگلیسی و زبانهای بومی ترجمه شود. این کتاب‌ها به جهت گستره فرهنگی خود، موجب ترک هرچه بهتر تنوع فرهنگی جامعه جنوب آفریقا گشته است. از زمان خاتمه نظام آپارتاید، بسیاری از ناشران خارجی به مشارکت و انتشار کتاب‌های مصور آفریقایی جنوبی اظهار تمایل کرده‌اند و در حقیقت مایلند به بقای کتاب‌های کودک آفریقایی زبان کمک کنند.

توضیحات

- ۱) National Unity
- ۲) آفریکانز یکی از زبانهای رسمی آفریقای جنوبی است که با زبان هلندی خویشاند است
- ۳) First Afrikaans language Movement
- ۴) The history of Joseph
- ۵) C. P. Hoogenhout
- ۶) Anglo - Boer war
- ۷) Animal stories
- ۸) G. R. Von wielligh
- ۹) M. E. Rothmann
- ۱۰) Children of the first Trek
- ۱۱) Patrys and the others
- ۱۲) C. J. Langenhoven
- ۱۳) Mikro
- ۱۴) Alba Bouwer
- ۱۵) Stories of River Farm
- ۱۶) Katrine Harries
- ۱۷) Hester Heese
- ۱۸) Rona Rupert
- ۱۹) Elsabe Steenberg
- ۲۰) Maretha Maartens
- ۲۱) Hough